



Theoretical Analysis of Partisan Warfare; Symbol of Popular Resistance in Ancient Iran

Abdullah Mobini Dehkordi

Assistant Professor of Strategic Management, Imam Hossein University, Tehran, Iran.

Abstract

This research investigates the partisan resistance of ancient Iranians, analyzing its objectives, dimensions, characteristics, tactics, methods, organizational structures, impacts, and historical consequences. The study employs a descriptive-applied research methodology utilizing documentary and library research methods, systematically implemented through five key stages: data collection, data analysis, data purification and prioritization, synthesis and inference, and finally findings compilation. The extracted results - including dimensions, objectives, policies, strategies, tactics, techniques and outcomes of ancient Iranian partisan resistance - make significant contributions to resistance theory development. Findings demonstrate that Iranians established the world's first organized popular resistance movements. The Parthians (or Khorasani people) originated partisan and guerrilla warfare techniques in opposition to the comprehensive domination and invasion by the Western bloc led by the Greeks, who sought to impose their culture and civilization through military supremacy. When the Achaemenid Empire - antiquity's first global power - collapsed following Alexander of Macedon's invasion in 331 BCE, Greek forces assumed complete control over all aspects of the Achaemenid state. Through disseminating Hellenistic culture and controlling all cultural, social, political and military institutions while imposing Western political will and beliefs, they pursued the cultural and political assimilation of Iranians. Considering themselves a civilized people with progressive ideas superior to the Greeks, Iranians resisted this Western political, cultural and military aggression from the outset. However, with the complete disintegration of the Achaemenid military structure and absence of organized fighting forces, popular resistance gradually emerged through small resistance cells that initiated combat against the powerful Seleucid army. Facing disparities in manpower, weapons and military equipment compared to the Seleucid state, coupled with lack of initial popular preparedness, Iranians developed a novel form of asymmetric armed guerrilla warfare unprecedented in ancient history. These small resistance cells employed partisan warfare tactics including hit-and-run operations, supply line disruption, night raids, light cavalry, professional archers and diverse tactical innovations. Through prolonged struggle and leveraging their geographical advantages - including familiarity with both flat and rugged terrain, towering mountains, desert plains like the Lut and Namak deserts, and numerous other arid regions - they gradually expanded their resistance networks. Ultimately, they successfully constrained the Greek army and, as a symbol of resistance against ancient superpowers, expelled the foreign threat, reestablishing Iran's national independence within historical narrative.

Keywords: Partisan Warfare, Popular Resistance, Asymmetric Warfare, Hit-and-Run Tactics, Attrition Warfare, Hellenistic Culture





سال اول، شماره سوم (پیاپی ۳)، زمستان ۱۴۰۱، صص. ۹۳-۱۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۰

مقاله پژوهشی

تحلیل نظری جنگ‌های پارتیزانی؛ نماد مقاومت مردمی ایران باستان

عبدالله مبینی دهکردی

عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران.

چکیده

هدف پژوهش حاضر با هدف تبیین و ترسیم مقاومت پارتیزانی مردم در عصر ایران باستان صورت پذیرفت. بدین منظور مهم‌ترین مسئله‌ای که این تحقیق به پاسخ‌گویی آن پرداخته عبارت است از: مقاومت پارتیزانی مردم ایران در عصر باستان از چه اهداف، ابعاد، ویژگی‌ها، تاکتیک‌ها، روش‌ها و مختصات، آثار، نتایج و پیامدهای برخوردار است. روش تحقیق این مقاله از نوع توصیفی و کاربردی است که برای جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است که دارای پنج مرحله و گام اساسی مشتمل بر جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تصفیه و پالایش و اولویت‌بندی داده‌ها، جمع‌بندی و استنتاج و در نهایت تدوین یافته‌ها انجام پذیرفته است. یافته‌های پژوهش از ابعاد، اهداف، سیاست‌ها، راهبردها، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و پیامدهای مقاومت پارتیزانی عصر ایران باستان استخراج شده است که در تدوین نظریه مقاومت نقش بسزایی خواهد داشت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اولین مقاومت‌های مردمی در جهان توسط ایرانیان شکل گرفت. مبدع جنگ‌های پارتیزانی و چریکی قوم پارت یا خراسانی‌هایی بودند که در مقابل سلطه و تهاجم همه‌جانبه بلوک غربی به رهبری یونانیان قیام کردند؛ آنان فرهنگ و تمدن خود را بر قوم ایران با سلطه نظامی تحمیل کردند. از آنجایی که امپراتوری هخامنشی اولین حکومت جهانی را در عصر باستان تشکیل داده بود، در سال ۳۳۱ قبل از میلاد با حمله اسکندر مقدونی فروپاشید؛ یونانی‌ها بر تمامی تار و پود دولت هخامنشی مسلط شدند و با گسترش فرهنگ هلنیسم و تسلط بر تمامی شریان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و با تحمیل اراده سیاسی فرهنگ و اعتقادات غربی خود به دنبال استحاله فرهنگی و سیاسی مردم ایران زمین بودند. ایرانیان که خود را قومی متمدن صاحب آرا و اندیشه‌های مترقی نسبت به یونانیان می‌دانستند برناتفتند و از همان ابتدای امر به مقابله با تهاجم سیاسی فرهنگی و نظامی غرب برخاستند ولی از آنجایی که تمامی ساختار و سازمان نظامی ارتش هخامنشی از بین رفته بود و نیروی جنگنده‌ای وجود نداشت، آرام آرام مقاومت مردمی با تشکیل هسته‌ها و گروه‌های کوچک مقاومت شکل گرفت و در مقابل ارتش قدرتمند سلوکیان مبارزات خود را شروع کردند. به دلیل عدم توازن بین نیروی انسانی، سلاح و تجهیزات ساز و برگ نظامی دولت سلوکی از یک‌سو و فقدان آمادگی‌های اولیه در توده‌های مردم از سوی دیگر سبک جدیدی از مبارزه مسلحانه چریکی نامتقارن را در تاریخ ایران باستان به نمایش گذاشتند که تا آن زمان در نوع خود بی‌نظیر بود؛ اینکه هسته‌های کوچک مقاومت به شیوه جنگ‌های پارتیزانی با تاکتیک تعقیب و گریز، قطع خطوط پشتیبانی، شلیخون شبانه، استفاده از سواره نظام سبک، کمانداران حرفه‌ای و انواع تاکتیک‌های متنوع ابداع قوم ایرانی بود که توانست در یک دوره مبارزه هسته‌های مقاومت را به تدریج گسترش دهد و با بهره‌گیری از جغرافیا و آشنایی با زمین هموار و ناهموار کوهستان‌های سربلند و سخت دشت‌های کویری مانند کویر لوت و نمک و بیابان‌های متعدد آنان چنان عرصه را بر ارتش یونانی تنگ نماید و به‌عنوان نمادی از مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ باستانی ضمن مقابله با تهدید و تسلط دشمن خارجی آنان را از کشور بیرون کنند و استقلال ملی ایران زمین را بار دیگر در تاریخ ایران تثبیت نمایند.

کلیدواژه‌ها: جنگ پارتیزانی، مقاومت مردمی، جنگ‌های نامتقارن، جنگ فرسایشی، فرهنگ هلنیسم، ایران باستان.

شاپا الکترونیک: ۹۹۷۲-۳۰۴۱ ♦ شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره ♦ فصلنامه نظریه‌پردازی راهبردی

<https://theory.sndu.ac.ir/> E-ISSN: 3041-9972



صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است؛ همچنین آرا و مفاهیم نظری مقاله بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی یا تایید شورای عالی نظریه‌پردازی، نقد و مناظره نیست.

مقدمه

هنگامی که سلطه خارجی ایجاد می‌شود، نتیجه قطعی آن شکل‌گیری مقاومت مردمی در برابر سلطه مهاجم خواهد بود. انگیزه مقاومت ناشی از کینه‌ها و نفرت‌هایی است که دولت متخاصم بر ملت مظلوم تحمیل می‌نماید و این بذر کینه و نفرت را در دل ملت‌ها می‌کارد. مقاومت در طول تاریخ تحولات بشری همیشه در مقابل ظلم و ستم، یک‌جانبه‌گرایی، استکبار و تحمیل اراده دولت‌های مستبد بر ملت‌های مظلوم که تنها به دلیل استقلال از تمامیت ارضی دفاع از ارزش‌های انسانی خود مانند دفاع از سرزمین مادری، میهن‌پرستی و دفاع از ارزش‌های فرهنگی اعتقادی و مذهبی یک ملت تحمیل شده است.

شروع مقاومت زمانی است که یک نوع توازن وحشت به‌جای توازن قوا بین طرفین حاکم می‌گردد، یعنی نیروی متخاصم از برتری کامل نظامی در ابعاد هوایی دریایی زمینی همراه با اشراف اطلاعاتی و امنیتی برخوردار است و علاوه بر این با بهره‌گیری از شیوه‌ها و ابزارهای متعدد جنگ روانی و تضعیف روحیه ملت تحت ستم اراده خود را بر او تحمیل می‌نماید تا بدین طریق بتواند سرنوشت یک ملت را در دست گیرد و ملت مظلوم را مغلوب نماید و بتواند سیاست‌های تجاوزکارانه خود را پیاده‌سازی و اجرا نماید.

۱. پیشینه پژوهش

اولین مقاومت‌های مردمی در جهان توسط ایرانیان شکل گرفت. بنیان‌گذار جنگ‌های پارتیزانی و چریکی قوم پارت یا خراسانی‌هایی بودند که در مقابل سلطه و تهاجم همه‌جانبه بلوک غربی به رهبری یونانیان قیام کردند. آنان فرهنگ و تمدن خود را بر قوم ایران با سلطه نظامی و تهاجم فرهنگی هلنیسم تحمیل کردند. از آنجایی که امپراتوری هخامنشی اولین حکومت جهانی را در عصر باستان تشکیل داده بود، در سال ۳۳۱ قبل از میلاد با حمله اسکندر مقدونی فروپاشید؛ یونانی‌ها بر تمامی تار و پود دولت هخامنشی مسلط شدند و با گسترش فرهنگ هلنیسم و تسلط بر تمامی شریان‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و با تحمیل اراده سیاسی فرهنگ و اعتقادات غربی خود به دنبال استحاله فرهنگی و سیاسی مردم ایران زمین بودند. ایرانیان که خود را قومی متمدن نسبت به یونانیان می‌دانستند تاب تحمل برنیاوردند و از همان ابتدای امر به مقابله با تهاجم سیاسی، فرهنگی و نظامی غرب قیام کردند، ولی از آنجایی که تمامی ساختار و سازمان نظامی ارتش هخامنشی از بین رفته بود



و نیروی جنگنده‌ای وجود نداشت آرام مقاومت مردمی با تشکیل هسته‌ها و گروه‌های کوچک مقاومت شکل گرفت و در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح سلوکیان مبارزات خود را شروع کردند. به دلیل عدم توازن بین نیروی انسانی، سلاح و تجهیزات ساز و برگ نظامی دولت سلوکی از یک‌سو، فقدان آمادگی‌های اولیه در توده‌های مردم سبک جدیدی از مبارزه مسلحانه چریکی نامتقارن در تاریخ ایران باستان به نمایش گذاشتند که تا آن زمان در نوع خود بی‌نظیر بود اینکه هسته‌های کوچک مقاومت به شیوه جنگ‌های پارتیزانی با تاکتیک تعقیب و گریز، قطع خطوط پشتیبانی، شبیخون شبانه، استفاده از سواره نظام سبک، کمان‌داران حرفه‌ای و انواع تاکتیک‌های متنوع ابداع قوم ایرانی بود که توانست در یک دوره مبارزه هسته‌های مقاومت را به تدریج گسترش دهد و با بهره‌گیری از جغرافیا و آشنایی با زمین هموار و ناهموار، کوهستان‌های سربلند و سخت، دشت‌های کویری مانند کویر لوت و نمک و بیابان‌های متعدد آنان چنان عرصه را بر ارتش یونانی تنگ نمایند و به‌عنوان نمادی از مقاومت در برابر قدرت‌های بزرگ باستانی ضمن مقابله با تهدید و تسلط دشمن خارجی آنان را از کشور بیرون کنند و استقلال ملی ایران زمین را بار دیگر در تاریخ ایران تثبیت نمایند.

مقاومت پارتیان در برابر سلوکیان و بعدها در مقابل رومی‌ها در تاریخ ایران باستان نشان‌دهنده قدرت نظامی و استراتژیک این ملت است. از یک‌سو با استفاده از راهبرد جنگ‌های نامتقارن در مقابل یونانیان و بعدها رومی‌ها از تکنیک جنگ مزبور آنان را از ایران اخراج و به دو و نیم قرن سلطه یونانیان خاتمه دهند و از تسلط دولت تازه به قدرت رسیده روم در سده‌های بعدی جلوگیری کنند و استقلال و تمامیت ارضی ایران را در مقابل دشمن متخاصم حفظ نمایند و بار دیگر مجد و عظمت ملت ایران را به رخ جهانیان بکشند؛ این اقدامات و سیاست‌ها همراه با تاکتیک‌های جنگ نامتقارن توانست ایران را به مجد و عظمت گذشته بازگرداند. مقاومت مردم در مقابل تهدید خارجی با شیوه جنگ‌های پارتیزانی سبک جدیدی از دفاع همه‌جانبه و مردم‌پایه را پایه‌گذاری کرد که الگوی جدیدی برای سایر ملت‌ها در آینده تحولات جهانی شد و بر همین اساس نام چنین نبردهایی به جنگ‌های پارتیزانی مشهور شد که شیوه‌ای جدید از مقابله با دشمنان در موقعیت‌های ناهمتر از را ترسیم و به تصویر کشید. از این‌رو مهم‌ترین مسئله این مقاله عبارت است از اینکه، مقاومت پارتیزانی مردم ایران در عصر باستان از چه ابعاد، ویژگی‌ها، تاکتیک‌ها و روش‌ها و مختصات برخوردار بوده و چگونه می‌توان از آثار، نتایج و تجارب نسل‌های گذشته در تحولات جنگ‌های آینده، خصوصاً جنگ‌های نامتقارن استفاده مطلوب به عمل آورد.



۲. روش‌شناسی

مک میلان و شوماخر، تحقیقات را بر اساس هدف به سه دسته بنیادی، کاربردی و تحقیق و توسعه طبقه‌بندی می‌کنند (سرمدی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۵). این پژوهش از بُعد هدف، تحقیقی-کاربردی و از حیث نحوه گردآوری اطلاعات، طرح‌های تحقیق به دو گروه طرح‌های آزمایشی و طرح‌های غیرآزمایشی و توصیفی طبقه‌بندی می‌شوند و از زیرمجموعه‌های طرح توصیفی می‌توان به تحقیق پیمایشی، تحقیق همبستگی، تحقیق پس‌رویدادی، اقدام پژوهی و مطالعه موردی اشاره نمود (سرمدی و همکاران، ۱۳۸۱: ۳۷).

این مقاله از نوع توصیفی-کاربردی است که نتایج آن در تدوین نظریه مقاومت استفاده خواهد شد که با توجه به تاریخی بودن موضوع با بهره‌گیری از منابع اسنادی-کتابخانه‌ای انجام شد. این روش به‌منظور تبیین و توصیف واقعیت‌های صورت پذیرفته انجام می‌شود. در واقع این روش تحقیق به‌منظور توصیف رخداد‌های تاریخی انجام می‌شود؛ به همین جهت طی پنج گام اساسی متشکل از جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، پالایش و اولویت‌بندی داده‌ها، جمع‌بندی و استنتاج و در نهایت تدوین یافته‌ها انجام پذیرفته است.

۳. عوامل اصلی شکل‌گیری جنگ‌های پارتیزانی

۳-۱. موقعیت استراتژیک با سابقه فرهنگ و تمدن ایران زمین

در گذشته، ایران به دلیل موقعیت استراتژیک در پیشتازی تمدن بشری اولین حکومت جهانی را از شرق تا غرب عالم گسترانیده بود و دارای تاریخ فرهنگ و هویت ملی خاص خود بود؛ در نتیجه به راحتی نمی‌توانست زیر فشار دشمن متخاصم قرار گیرد. از این‌رو موقعیت جغرافیایی قرار گرفتن در میانه شرق و غرب جهان، اتصال به آب‌های بین‌المللی، وجود کوهستان‌ها، بیابان‌ها، پوشش جنگلی مناسب و کویرها شرایط منحصر به فردی را برای مقاومت مردمی و اجرای تاکتیک‌های جنگ پارتیزانی فراهم می‌ساخت (کامرون، ۱۳۷۶: ۷۶). این شرایط خاص به دسته‌ها و گروه‌های کوچک مردمی این امکان را می‌داد تا بتوانند در برابر ارتش‌های بزرگ به دفاع بپردازند و با استفاده از تاکتیک‌های متعدد جنگ‌های نامنظم و حملات ناگهانی غافلگیرکننده و تعقیب و گریز، ضربات سختی را بر دشمن متجاوز وارد نمایند و به تدریج عرصه را بر او تنگ نمایند.



۲-۳. تنوع و تکثر فرهنگی و اجتماعی ایران

تنوع قومی - زبانی و فرهنگی ایران پهنه بسیار وسیعی را در برمی گرفت و هرکدام از مجموعه اقوام و قبایل به فرهنگ و زبان و سیستم اداری و اجتماعی و حکومت داری خود وابسته بودند. مهم ترین وجه مشترک این اقوام آن بود که هرگاه دشمن خارجی به سرزمین آنان وارد می شد با هم متحد شده و ضمن اداره سرزمین خود به کمک دولت مرکزی می شتافتند و با پرداخت خراج، مالیات، تهیه و تدارک تجهیزات ارتش مرکزی، اعزام سپاهیان و نیروهای رزمی در پی دفاع از سرزمین خود برمی آمدند. در این نبرد سرنوشت ساز مقاومت ایران از منطقه شرق یعنی خراسان که در این دوره تاریخی به نام «پارتیان» معروف بود، شروع شد و برای رهایی از استقلال و کسب هویت فرهنگی و ملی شروع به دفاع همه جانبه کردند تا کسب پیروزی نهایی و غلبه بر دشمن خارجی و استقلال و تمامیت ارضی ایران زمین استمرار پیدا کرد (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۱۲۰).

۳-۳. مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن خارجی

ایران باستان به دلیل موقعیت استراتژیک خود همواره مورد تهاجم دشمنان خارجی خود از شرق و غرب عالم بود. مهم ترین دشمنان مهاجم را می توان به یونانیان در غرب و سکاهای در شرق اشاره کرد. بعدها رومیان جایگزین یونانیان در غرب کشور شدند. ایرانی ها با استفاده از جنگ های پارتیزانی توانستند مهم ترین دشمن خود یعنی سلوکیان را که بیش از دو قرن و نیم در ایران سیطره کامل پیدا کرده بودند با استفاده از تاکتیک جنگ های پارتیزانی از ایران خارج نمایند و در مقابل تهاجم گسترده رومیان در سال های آینده مقاومت جانفشانانه ای را از خود نشان دهند (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۳۸۵).

۴-۳. جنگ های استقلال طلبانه

در سال ۳۳۱ قبل از میلاد که دولت هخامنشی توسط تهاجم گسترده یونانیان فرو پاشید بیش از دو قرن بر ایران تسلط کامل پیدا کردند و به حکمروایی در ایران زمین پرداختند و تمامی آراء، اندیشه ها و اراده خود را بر مردم بومی ایران تحمیل کردند. ایرانیان که خود سابقه درخشان فرهنگ و تمدن غنی برخوردار بود در مقابل سلوکیان قد برافراشتند و با تشکیل گروه های کوچک مقاومت محلی به صورت خودجوش به تدریج علیه استیلای غربی ها قیام کردند و توانستند در مدت زمانی معین ضربات سخت بر دشمن وارد آورند (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۴۶۳) و مرحله به مرحله سرزمین های ایران را از

زیر سلطه خارجی خارج نمایند و به تدریج استقلال از دست رفته ایران را بازگرداند و مجدداً حکومتی ملی پایه‌گذاری نمایند این دولت امپراتوری اشکانی بود که توانست مهاجم خارجی را از کشور بیرون براند و بعد از آن با دولت جدید رم که جایگزین دولت یونان شده بود جنگ‌های فراوانی کرد و استقلال ایران را حفظ کرد.

۳-۵. نظام حکمرانی غیرمتمرکز

حکومت‌های ایران باستان در عصر هخامنشیان و اشکانیان دارای ساختار اداری خاص خود بودند. مهم‌ترین مختصات این دوره، غیرمتمرکز اداره کردن کشور بود. هر ساتراپ (استان) توسط والی که از مرکز منصوب می‌شد اداره امور را در دست می‌گرفت و در کنار او فرمانده سپاه مسئولیت اداره امور نظامی به عنوان رکن دوم و مسئول امور مالی و اقتصادی که مسئولیت امور مالیاتی درآمد و باج و خراج را بر عهده داشت به عنوان رکن سوم این ساختار حکمروایی و ضلع چهارم آن مفتش یا مسئول اطلاعات و امنیت هر ساتراپ را بر عهده داشتند این وضعیت اختیار اداره تمام و کمال را به ولایات تحت امر واگذار کرده بودند و دولت مرکزی با عدم تمرکز اختیارات در دست یک والی بر آنان نظارت و کنترل دقیق اعمال می‌کرد و در مقابل والی هر استان مسئولیت‌ها و تعهداتی را مانند تأمین نیروی نظامی، تهیه لجستیک، تأمین مالیات، تهیه باج و خراج و ارسال آن به دولت مرکزی را به دوش می‌کشید (گریشمن، ۱۳۸۰: ۳۲۱). این ساختار غیرمتمرکز و چندبُعدی در امپراتوری بزرگ، گاه باعث ضعف حکومت مرکزی در اعمال کنترل بر مناطق دور دست می‌شد و در نتیجه برخی از مناطق مرزی یا کوهستانی به کانون مخالفت و شورش علیه دولت مرکزی تبدیل می‌شد. البته این بستگی به میزان اقتدار و اعمال نظارت‌های تخصصی بر ساتراپ‌ها داشت ولی ساختار غیرمتمرکز در مقابل تهدید خارجی یکی از نقاط قوت امپراتوری پارتیان به حساب می‌آمد که در کم‌ترین مدت ممکن با حفظ آمادگی رزمی مقابل دشمن خارجی صف‌آرایی می‌کردند (محمدپناه، ۱۴۰۰: ۱۱۳).

۳-۶. خودکفایی و تأمین هزینه‌های جنگی

همان‌طوری که در قبل اشاره شد ساختار چندبُعدی اختیارات ساتراپ‌های دولت اشکانی بر عهده چندین مسئول قرار گرفته بود؛ در بخش اقتصادی و مالی این مسئولیت بر عهده مسئول امور مالی و اقتصادی بود که باید بودجه و امکانات سپاه هر استان را تهیه و تأمین نماید و بخش دیگری را برای



حکومت مرکزی ارسال نماید. مأمورین مالی و اقتصادی هر ساتراپ با استفاده از غنیمت‌گیری، اخذ مالیات، تعیین باج و خراج و استفاده از منابع طبیعی تحت کنترل، هزینه‌های جنگ را تأمین می‌کردند. این خودکفایی اقتصادی به آنان امکان می‌داد که مدت‌ها بدون نیاز به حمایت خارجی مقاومت کنند (مشکور، ۱۳۹۹: ۱۷۶).

جنگ‌های پارتیزانی ایرانیان علیه سلوکیان یکی از مهم‌ترین مراحل تاریخی در دوره‌های نخست استقلال‌خواهی ایرانیان پس از سلطه اسکندر مقدونی بر ایران بود. این جنگ‌ها از سوی اقوام و نیروهای محلی با دشمن خارجی شکل گرفت و پارتی‌ها اهدافی مهم و راهبردی داشتند که مهم‌ترین اهداف آنان در ذیل اشاره می‌شود:

♦ بازپس‌گیری استقلال سیاسی ایران

پس از سقوط هخامنشیان، ایران به‌عنوان یک امپراتوری مستقل از بین رفت و تحت سلطه سلوکیان درآمد. بسیاری از رهبران محلی، به‌ویژه اشکانیان و سایر اقوام ایرانی، به دنبال بازپس‌گیری استقلال سیاسی و رهایی از سلطه خارجی بودند (کرتیس، ۱۴۰۳: ۱۴۰).

♦ محافظت از هویت فرهنگی و ملی

سلوکیان با ترویج فرهنگ یونانی (هلنیسم) سعی در نابودی فرهنگ بومی ایران داشتند. مقاومت پارتیزانی یکی از ابزارهای ایرانیان برای حفظ زبان، دین و سنت‌های بومی بود. این جنگ‌ها نقش مهمی در جلوگیری از گسترش کامل هلنیسم در مناطق ایرانی ایفا کردند و توانستند علاوه بر مقابله با تهاجم فرهنگ هلنیسم در تعاملات دو طرفه بخش‌هایی از فرهنگ غنی خود را به یونانیان منتقل نمایند.

♦ مقابله با بهره‌کشی اقتصادی

سلوکیان از منابع ایران برای تأمین نیازهای امپراتوری خود استفاده می‌کردند. نارضایتی عمومی از بهره‌کشی اقتصادی سلوکیان یکی از انگیزه‌های اصلی مردم محلی برای حمایت از جنگ‌های پارتیزانی بود. کنترل منابع طبیعی و مالی توسط ایرانیان، هدف مهمی برای رهایی از سلطه اقتصادی سلوکیان به شمار می‌رفت.

❖ برقراری امنیت در مناطق مرزی

سلوکیان در مناطق مختلف ایران با شورش‌های متعدد مواجه بودند. ناامنی، غارتگری‌ها و بی‌ثباتی سیاسی باعث شده بود که نیروهای محلی با استفاده از جنگ‌های پارتیزانی تلاش کنند تا کنترل مناطق خود را باز پس گیرند.

❖ تضعیف نظامی و سیاسی سلوکیان

ایرانیان، به‌ویژه اشکانیان با استفاده از استراتژی‌های جنگ نامتقارن (پارتیزانی) تلاش کردند تا نیروهای نظامی سلوکی را تضعیف و حکومت مرکزی آن‌ها را بی‌ثبات کنند. استفاده مؤثر از جغرافیا و محیط طبیعی، حملات غافلگیرانه و ایجاد جنگ‌های فرسایشی، قطع خطوط پشتیبانی دشمن و حمایت گسترده مردمی از این نبرد و اتحاد و همدلی محلی از تاکتیک‌های کلیدی و راهبردهای بارز و مؤثر بوده و در نتیجه ضعف کنترل سلوکیان بر مناطق دور دست را به دنبال داشت.

۴. استراتژی جنگ‌های نامتقارن پارتیان

شاهنشاهی اشکانی قریب ۲۵۰ سال حکومت بر ایران در مواجهه با امپراتوری‌های سلوکی و روم، از استراتژی‌های نظامی متنوعی بهره برد. مهم‌ترین استراتژی‌ها عبارتند از:

❖ استراتژی اشکانیان در مقابل یونانیان

➤ جنگ‌های چریکی و تحرک بالا: اشکانیان با استفاده از سواره‌نظام سبک و تاکتیک‌های جنگ و گریز، توانستند نیروهای سلوکی را در مناطق گسترده‌ای از ایران به چالش بکشند و کنترل مناطق مختلف را به دست گیرند (Amelie, Kuhrt.2024:232).

➤ استفاده از تیراندازان سواره: کمانداران سواره‌نظام اشکانی با توانایی شلیک در حین عقب‌نشینی، معروف به «تیراندازی پارتی»، توانستند نیروهای سلوکی را در میدان نبرد دچار سردرگمی کنند.

➤ اتحاد با قبایل محلی: اشکانیان با ایجاد اتحادهای محلی و بهره‌گیری از نارضایتی‌های موجود در مناطق تحت سلطه سلوکیان، توانستند حمایت مردمی را جلب کرده و موقعیت خود را تقویت کنند.



♦ استراتژی اشکانیان در برابر رومیان

➤ نبرد حران (۵۳ پ.م): در این نبرد، اشکانیان به رهبری سورنا با استفاده از سواره نظام سبک و تاکتیک‌های محاصره، سپاه روم به فرماندهی کراسوس را شکست دادند. این پیروزی نشان‌دهنده برتری تاکتیک‌های اشکانی در مواجهه با ارتش‌های سنگین رومی‌ها بود (آلبرماله، ۱۳۹۷: ۷۸).

➤ استفاده مؤثر از سواره‌نظام: اشکانیان با تکیه بر سواره‌نظام سنگین (کاتافراکت‌ها) و سبک، توانستند در نبردهای متعددی مانند نبرد حران، نیروهای رومی را شکست دهند. این استراتژی به آن‌ها امکان می‌داد تا با تحرک بالا و حملات ناگهانی، خطوط دشمن را در هم بشکنند.

➤ جنگ روانی و اطلاعاتی: اشکانیان با انتشار اطلاعات نادرست و ایجاد تردید در میان فرماندهان رومی، توانستند روحیه دشمن را تضعیف کرده و آن‌ها را به تصمیم‌گیری‌های نادرست سوق دهند.

➤ استفاده از جغرافیای منطقه: اشکانیان با آشنایی کامل به جغرافیای مناطق نبرد، از زمین‌های باز برای مانورهای سواره‌نظام و از مناطق کوهستانی برای کمین و حملات ناگهانی بهره می‌بردند.

از طرفی تاکتیک‌های جنگی پارتیان (اشکانیان) یکی از عوامل کلیدی موفقیت نظامی آن‌ها بود. این تاکتیک‌ها، متأثر از جغرافیای ایران، سبک زندگی کوچ‌نشینی و نیازهای نظامی دوران، دارای ویژگی‌هایی منحصربه‌فرد بودند. ارتش اشکانی، به‌ویژه سواران، توانایی حرکت سریع در مناطق دشوار را داشتند و با ضربات سریع و برق‌آسا بر دشمن و تلفات فراوان بلافاصله به محل استقرار خود باز می‌گشتند. آنان از موقعیت جغرافیای ایران شامل بیابان‌ها، کویر، جنگل، کوهستان و تالاب‌ها متناسب با شرایط و مقتضیات بهترین استفاده را می‌کردند و با تکنیک اختفا، استتار و پوشش برای پنهان شدن استفاده می‌کردند و بدین ترتیب ضربات کاری بر یونانیان وارد می‌کردند. همچنین یکی از تاکتیک‌های پارتیان طولانی کردن جنگ‌ها بود و با این تاکتیک باعث خستگی و تضعیف نیروهای دشمن می‌شدند. از طرفی کمین‌های طراحی‌شده، یکی از تاکتیک‌های مهم پارتیان بود. آن‌ها از جغرافیا و نیروهای سریع خود برای کشاندن دشمن به تله استفاده می‌کردند (یارشاطر، ۱۹۸۳: ۲۵۰).

نبرد هکاتوم پولیس یکی از درگیری‌های مهم بین اشکانیان و سلوکیان در جریان جنگ‌های آن‌ها بود. این نبرد در حدود سال ۲۳۸ پیش از میلاد رخ داد، زمانی که ارشک یکم، بنیان‌گذار سلسله



اشکانی، به ساتراپی پارت حمله کرد و آندراگوراس، ساتراپ سلوکی، را شکست و کشت. پس از این پیروزی، ارشک یکم شهر هکاتوم‌پولیس را به‌عنوان پایتخت خود انتخاب کرد (پیرنیا، ۱۳۷۰: ۵۵۰). هکاتوم‌پولیس، که به معنای «شهر صد دروازه» است، در منطقه قومس (دامغان امروزی) واقع شده بود و به‌عنوان یکی از مراکز مهم در دوره اشکانیان شناخته می‌شد. این شهر در دوره سلوکیان نیز اهمیت داشت و پس از تصرف توسط ارشک یکم، به مرکز قدرت اشکانیان مبدل گشت؛ با این حال، این رویداد به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ اشکانیان و آغاز گسترش قلمرو آن‌ها محسوب می‌شود. تاکتیک‌های جنگی پارتیان در نبردهایی مانند هکاتوم‌پولیس، به‌طور کلی مبتنی بر روش‌های خاص نبرد سواره‌نظام و بهره‌برداری از جغرافیای منطقه بود؛ اما بر اساس سبک جنگی اشکانیان پیروزی پارتیان در نبرد هکاتوم‌پولیس، احتمالاً نتیجه ترکیب مهارت‌های سواره‌نظام، استفاده از جغرافیای منطقه و شیوه‌های چریکی بود. این رویکردها نه تنها در این نبرد، بلکه در جنگ‌های دیگر علیه سلوکیان نیز اثربخش بودند.

جنگ حران بین سپاه اشکانی و روم در منطقه‌ای در شمال بین‌النهرین بین اورفه و راس‌العین بین سپاه شاهنشاهی اشکانی و جمهوری روم رخ داد. در ۶ مه سال ۵۳ پیش از میلاد میان سپاه کراسوس سردار و کنسول رومی، با سپاه سورنا سردار اشکانی نبردی سهمگین شکل گرفت و در ۹ ژوئن پس از یک نبرد خونین ارتش رومیان به کلی از بین رفت و کراسوس نیز کشته شد. آن دوران حکومت روم در دست سه «تریومویر» بود، یکی ژولیوس سزار، دومی پومپه و سومی کراسوس. سزار با شکست اقوام گل و پومپه نیز با پیروزی‌های پیشین خود در بالکان توانسته بودند چهره خود را بهبود دهند، در نتیجه کراسوس که در آن زمان فرماندار سوریه بود، کوشید تا بخت خود را با لشکرکشی به ایران بیازماید. او با وجود مخالفت روم و با در اختیار داشتن یک سپاه هفت لژیونی و نیرومند و بدون اعلام جنگ در سال ۵۴ پیش از میلاد از رود فرات گذشت و سپس پلی را که بر فرات بود، ویران کرد، زیرا داستان‌هایی در مورد جنگ و گریز سواران پارتی و دلاوری آنان در میان سپاهیان روم پیچیده بود و آنان را در هراس از پارتیان فرو برده بود؛ کراسوس نیز از گریز سربازانش بیمناک بود.

در سده نخست پیش از میلاد، اشکانیان ایران توانستند با مسلط شدن بر ارمنستان و آسیای صغیر و رود دجله و فرات تا مرز سوریه، همسایه روم شوند، این در حالی بود که از چندین سال قبل، جمهوری روم در تلاش بود ارمنستان را که بخشی خود مختار در حومه قلمرو اشکانیان بود،



از دست اشکانیان درآورد و این موضوع تا پایان جنگ‌های سلسله‌ای ایران و روم همچنان ادامه داشت؛ اما سرانجام کوشش‌های رومیان برای جداسازی ارمنستان از ایران ناکام ماند. در غرب امپراتوری ایران، سرزمین‌های زیر سلطه امپراتوری روم قرار داشتند: همه اروپا شامل شبه‌جزیره ایتالیا، گالیا، فرانسه، شبه‌جزیره ایبری (اسپانیا)، انگلستان، سرزمین ژرمن‌ها و شمال آفریقا تا سوریه. فقط مدت کوتاهی بطلمیوس دوازدهم به اتفاق خواهرش کلوپاترا بر مصر حاکم بودند که بالاخره مغلوب اکتاوئوس سردار رومی شدند؛ بنابراین دو دولت نیرومند بر جهان حکم‌فرما بودند؛ یکی در اروپا و شمال آفریقا تا سوریه به نام امپراتوری روم و دیگری امپراتوری اشکانیان که کل خاورمیانه به‌جز سوریه در قلمرواش بود و مرزهای شرقی آن تا هند و سرزمین کوشانی‌ها در بخش شرقی افغانستان وسعت داشت، ولی با این حال حدود متصرفاتش به اندازه قلمرو دوران هخامنشیان نمی‌رسید (محمدپناه، ۱۴۰۰: ۹۸). آغاز نبرد با قطعی شدن جنگ پادشاه اشکانی فرماندهی ارتش اصلی ایران به تعداد ده هزار سوار را به سردار دلاوری به نام سورنا واگذار کرد و خود به ارمنستان رفت تا از فرستادن نیروهای کمکی توسط پادشاه آن سرزمین به روم جلوگیری کند. هنگامی که کراسوس با سپاه ۴۲ هزار نفری از لژیونرهای رومی وارد مرز حران (شهری در جنوب ترکیه امروزی و مرز سابق ایران و روم) شد، در مقابل خود سپاه کوچکی از اشکانیان را مشاهده کرد. کراسوس، سپاه روم را به شکل مستطیل سازماندهی نمود، سپس یک جناح را به کاسیوس و دیگری را به پسرش پوبلیوس داد و قلب سپاه را خود فرماندهی می‌کرد. پارتیان طبل‌های بزرگی داشتند که در گرد آن زنگوله‌هایی بسته بودند تا از چند محل صدا کند. مجموعه این صداها مانند غُرش جانوران درنده یا آذرخش بسیار هراسناک بود و از مسافت دور گوش را ناراحت کرده و بسیار شورانگیز بود و سربازان را از حالت عادی خارج می‌ساخت. سپاه سورنا شامل سواران سبک اسلحه و سنگین اسلحه به تعداد ده هزار نفر بود. این اولین بار بود که رومیان با سوارانی مواجه می‌شدند که سوار بر اسب سر تا پا زره‌پوش بودند. سورنا که می‌دانست سپاه مجهز رومی را نمی‌توان به آسانی شکست داد، دست به یک حيله جنگی زد. او به یکباره با ۱۰۰۰ سرباز در برابر ارتش روم پدیدار شد و ۹۰۰۰ کماندار را در پشت تپه‌ها پنهان کرد. با حمله لژیونرها، سورنا دستور عقب‌نشینی داد تا سربازان رومی در پی آن‌ها وارد محوطه اشکانیان شوند. در این هنگام کمانداران از پشت تپه‌ها بیرون آمدند و به‌سوی رومی‌ها حمله‌ور شدند. سواران



اشکانی با حرکت زیگزاگی، چنان با مهارت تیرها را به سوی لژیونرهای پیاده‌نظام پرتاب می‌کردند که به قول پلوتارک پای سربازان رومی را به زمین می‌دوختند.

در واقع نقطه قوت ارتش ایران در این جنگ، تیراندازی و جنگ و گریز بود. در این هنگام پولیوس کراسوس (پسر کراسوس) به همراه ۱۳۰۰ سوار سنگین اسلحه که هزار نفر آنان سواران سرزمین گالیا (فرانسه) بودند که از سوی ژولیوس سزار فرستاده شده بودند به یاری لژیونرها شتافت اما آن‌ها هم کاری از پیش نبردند و سرانجام همگی در بند یا کشته شدند. کراسوس کوشید با سازماندهی ارتش باقی‌مانده، حمله دیگری را ترتیب دهد، اما ناگهان با سر بریده پسرش که روی نیزه ایرانیان بود، روبرو شد. پس از مرگ پولیوس، سورنا با همه ارتش خود به‌ویژه سواران سنگین اسلحه به ارتش روم حمله کرد. نبرد سختی درگرفت که تا شب ادامه داشت. هنگامی که هوا تاریک شد طرفین دست از جنگ با یکدیگر برداشتند. کراسوس با استفاده از تاریکی شب با قوای باقیمانده خود به سمت کاره گریخت. سورنا سپیده دم به تعقیب او پرداخت ولی کراسوس خود را به شهر رسانیده و در آن پناه گرفت. شهر کاره که ساخلوی رومیان بود در محاصره ایرانیان قرار گرفت و سورنا به رومیان پیام داد که اگر کراسوس را تسلیم کنند، با آن‌ها صلح خواهد کرد.

رومی‌ها حاضر به تسلیم کراسوس نشدند و او را وادار به فرار در شب کردند. سورنا از گریز وی آگاه شده و دست به تعقیب او زد و در میان راه به او رسید. در درگیری که رخ داد کراسوس کشته شد و فقط کاسیوس توانست با ۵۰۰ سوار خود را به انطاکیه برساند (زیرک‌زاده، ۱۳۴۱: ۳۷۵).

بر اساس گزارش مورخان رومی، در پایان نبرد، ۲۰ هزار رومی کشته و ۱۰ هزار تن اسیر شدند، درحالی که تعداد زخمی‌ها و کشته‌های اشکانی روی هم به صد نفر هم نمی‌رسید. درباره مرگ کراسوس گفته‌های مختلفی عنوان شده است. برخی بر این باورند که او در میدان نبرد به دست سورنا کشته شد، اما تعدادی هم ادعا می‌کنند که فردای نبرد، کراسوس به دست فرماندهان رومی که شکست خود را از بی‌تدبیری او می‌دانستند، به قتل رسید. طبق روایت دیگری فردای نبرد، کراسوس در حال فرار با عده‌ای از یاران خود، به دست پوماکزسر، از یاران سورنا به قتل رسیده ولی سورنا در سلوکیه اعلام کرد که کراسوس را زنده گرفته است؛ زیرا می‌خواست به نشانه پیروزی و تمسخر رومی‌ها صحنه تمسخرآمیزی را تعبیه کند. به هر حال مرگ کراسوس و شکست سنگین ارتش روم، ضربه جبران‌ناپذیری به دولت روم وارد ساخت و باعث شهرت اشکانیان (پارت‌ها) در



جهان شد. در این نبرد، پرچم لژیون‌های ارتش روم هم به دست ایرانیان افتاد و تا زمانی که صلح میان امپراتوری ایران و روم برقرار شد، این پرچم در دربار پادشاه اشکانی نگهداری می‌شد. به غنیمت بردن تمام پرچم‌های روم (عقاب‌های ارتش روم) لکه ننگی بود که پس از این جنگ بر دامان ارتش روم نشست. بعد از این شکست ژولیوس سزار، سردار بزرگ رومی قصد داشت تا انتقام این شکست را از ایرانیان بگیرد؛ ولی پیش از تدارک حمله به ایران در ۱۵ مارس ۴۴ ق. م در مجلس سنای روم با خنجر مارکوس یونیوس بروتوس و شمشیرهای دشمنانش کشته شد. کاسیوس سردار بازمانده نبرد با پارت‌ها که توانسته بود خود را به سوریه برساند، از کُشندگان سزار بود. چون به روشنی شاهد ضعف قدرت کنسول روم و همچنین عدم آینده‌نگری این قدرت بود (یوسف‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۷۶).

عاقبت در زمان پادشاهی فرهاد چهارم اشکانی بین ایران و روم در زمان زمامداری اکتاوئوس در سال ۲۰ قبل از میلاد صلح برقرار شد و فرهاد چهارم پذیرفت که همه درفش‌های رومی را باز پس دهد. پس از پیروزی پارتی‌ها بر رومیان، دنیای آن روز به این نتیجه رسید که هیبت رومیان قابل شکست است و آنان نیز مانند سایر مردمان گاهی پیروز و گاهی دچار شکست می‌شوند. نبرد حران در تخیل نویسندگان، شاعران، تاریخ‌نگاران و فلاسفه اخلاقیات در روم، دگرگونی و سبک جدیدی به وجود آورد. این نوشته‌ها، بیم از پارتیان شکست‌ناپذیر را دو چندان می‌کردند. رخدادهای تلخی که بعد از این جنگ برای ایران روی داد، آن بود که سورنا را در جوانی و پس از انجام چنان خدمات شایانی به قتل رساندند.

همچنین جنگ حران اهمیت زیادی در تاریخ ایران دارد. چرا که نخستین رویارویی ایرانیان و رومیان بود. رومی‌ها تا این زمان در همه‌جا پیروز بودند و این شکست بر صولت آن‌ها سایه افکنده و نام پارتیان را در جهان بزرگ کرد. نبرد حران مانند نبرد ماراتن است، چنان‌که در آن زمان دولت عظیم هخامنشی در حرکت خود به طرف غرب برای نخستین بار به دیوار استوار یونانی برخورد و گسترش آن متوقف شد، از همین روی دولت جهانگیر جمهوری روم برای نخستین بار با سد ایران برخورد کرد و از این به بعد گسترش آن در آسیا پایان یافت. از بررسی منابع دوره‌های تاریخی ایران باستان چنین استنباط می‌شود که پارتیان با اتخاذ راهبرد مقاومت مردمی نه تنها توانستند تهدید سلطه خارجی را از کشور دور نمایند بلکه موفق شدند استقلال ایران را مجدداً باز گردانند؛ از این رو به مهم‌ترین آثار و نتایج این دوران در ابعاد مختلف اشاره می‌شود. سلوکیان، که بخش شرقی امپراتوری



اسکندر را در اختیار داشتند، با مشکلاتی مانند شورش‌های محلی و حملات اقوام دیگر مواجه بودند. در این میان، پارتیان به رهبری اشک اول و پس از آن تیرداد اول، به تدریج قدرت گرفتند و کنترل مناطق شرقی ایران را در دست گرفتند.

مهم‌ترین پیامدی که جنگ‌های پارتیان علیه یونانی‌ها در بُعد سیاسی به دنبال داشت سقوط قدرت سلوکیان در شرق جهان آن روز بود. جنگ‌های پی در پی باعث تضعیف سلوکیان و از دست رفتن نفوذ آن‌ها در بخش‌های شرقی امپراتوری شد و مقاومت خودجوش مردمی ضمن دفع تهدید دشمن خارجی منجر به استقلال و تمامیت ارضی کشور ایران شد.

علاوه بر این، تشکیل یک امپراتوری مستقل ایرانی از دیگر آثار این مقاومت‌ها بود، اشکانیان توانستند دولتی پایدار و مستقل در شرق تأسیس کنند که به مرور زمان، یکی از مهم‌ترین امپراتوری‌های عصر باستان نام گرفت.

۵. پیامدهای جنگ‌های پارتیان علیه سلوکیان و رومیان

پارتیان (اشکانیان) به عنوان یکی از مهم‌ترین سلسله‌های ایران در دوره باستان، درگیری‌های گسترده‌ای با سلوکیان (جانشینان امپراتوری اسکندر) و بعدها با رومیان داشتند. این جنگ‌ها پیامدهای مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی داشت؛ پس از مرگ اسکندر، امپراتوری او میان ژنرال‌هایش تقسیم شد. سلوکیان، که بخش شرقی امپراتوری اسکندر را در اختیار داشتند، با مشکلاتی مانند شورش‌های محلی و حملات اقوام دیگر مواجه بودند. در این میان، پارتیان به رهبری ارشک اول و پس از آن تیرداد اول، به تدریج قدرت گرفتند و کنترل مناطق شرقی ایران را از دست سلوکیان خارج کردند.

از بررسی منابع فوق در دوره سلسله اشکانی در بُعد پیامدهای سیاسی در مقابل رومیان می‌توان به شکل‌گیری مرزهای پایدار میان دو کشور اشاره کرد. جنگ‌های مکرر میان اشکانیان و رومیان به تثبیت مرزهای شرقی روم و غربی اشکانیان در میان رودهای دجله و فرات انجامید و به توسعه‌طلبی و تجاوزهای مکرر روم پایان داد و رومی‌ها شکست جبران‌ناپذیری متحمل شدند و از این تاریخ تمرکز خود را بر قاره آفریقا قرار دادند.

همچنین کاهش نفوذ مستقیم روم از دیگر پیامدهای مقاومت دولت اشکانی در مقابل رومیان بود. اشکانیان توانستند در برابر تلاش‌های روم برای نفوذ در شرق مقاومت کنند و هژمونی خود را حفظ



کنند. علاوه بر این حفظ استقلال و هویت ملی از دیگر نتایج این نبردها بود و پارتیان توانستند در مقابل نفوذ بیگانگان مقاومت کنند و یک امپراتوری قدرتمند بسازند.

علاوه بر این تقویت نقش ارمنستان به عنوان دولت حائل از دیگر نتایج بُعد سیاسی این جنگ‌ها بود؛ ارمنستان به عنوان منطقه‌ای میان دو امپراتوری نقش حیاتی پیدا کرد اما در بُعد نظامی می‌توان با اثبات برتری تاکتیکی پارتیان در مقابل رومیان اشاره کرد در نبردهایی مانند نبرد حران (۵۳ ق.م)، پارتیان با استفاده از تاکتیک‌های سواره نظام و تیراندازان، ارتش روم را شکست دادند.

از دیگر نتایج نظامی می‌توان به هزینه‌های سنگین برای هر دو طرف اشاره کرد. جنگ‌های طولانی مدت فشار زیادی بر منابع اقتصادی و نظامی هر دو امپراتوری وارد کرد.

از پیامدهای دیگر می‌توان به بُعد اقتصادی این نبردها اشاره کرد، اشکانیان با حفظ مناطق کلیدی توانستند بر مسیرهای تجاری مسلط باشند و تجارت خود را با دولت کوشانیان، هند، چین و مناطق امپراتوری گسترش دهند و با تقویت تجارت با هند و چین، اشکانیان به عنوان واسطه‌ای بین شرق و غرب عمل کردند و از این تجارت سود بسیار بردند و نقش مهمی در تجارت بین‌الملل بازی کردند. در بُعد فرهنگی نیز می‌توان به تأثیر متقابل فرهنگی برخی عناصر هنر رومی در معماری اشکانی تأثیر گذاشت، اما فرهنگ ایرانی همچنان غالب بود. علاوه بر این ایجاد هویت ایرانی در برابر روم از دیگر پیامدهای فرهنگی این جنگ‌ها بود که به تقویت هویت ایرانی و مقاومت در برابر نفوذ فرهنگی و سیاسی غرب کمک کرد.

نتیجه‌گیری

انسان که اشرف مخلوقات است و قوه عقل و ایمان هدیه خداوند به عنوان خالق همه هستی به او اعطا شده در صدد است که در مقابل هرگونه ظلم، ستم، بی‌عدالتی، حق‌کشی و برخورد یک‌جانبه، سلطه‌پذیری که از منطق بشری به دور است دفاع نماید. به این نوع دفاع؛ دفاع مشروع گفته می‌شود که برای حقوق واقعی انسان‌ها به دفاع برمی‌خیزد و با هرگونه تعدی، ظلم، تهاجم و تخاصم نامشروع به مقابله می‌پردازد. علت اصلی این دفاع در تضادهای دوگانه حق و باطل، ظالم و مظلوم، تجاوزگری و تجاوزپذیری، ارباب و مرعوبیت، توازن قوا در مقابل توازن وحشت، سلطه‌گری، سلطه‌پذیری و استکبار در مقابل استضعاف معنی پیدا می‌کند. برای دفاع راه‌ها و روش‌ها و سبک‌های دفاعی فراوانی توسط جوامع بشری ابداع شده است و تمامی انسان‌ها به دفاع می‌پردازند وقتی این دوگانگی فقر و

غنا، استکبار و استضعاف، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند یک طرف زورگویی، ظلم و تحمیل اراده و طرف دیگر مظلومیت و تلاش برای احقاق حقوق اولیه در مقابل یکدیگر قرار می‌گیرند و در این حالت است که توان مقابله برای طرف دوم وجود ندارد و در نتیجه دفاع مشروع از سبک دفاع نابرابر در مقابل طرف تا بن دندان مسلح قرار می‌گیرد. این تقابل برای سبک‌های دفاع موجود خصوصاً دفاع کلاسیک به هیچ وجه قابل قبول نیست و در دفاع حتماً باید نسبت‌های عده و عُدّه بین یک تا سه برابر باشد تا بتوانند در مقابل خصم دفاع نمایند. بر همین مبنا، مقاومت یکی از بهترین سبک‌های دفاعی برای جوامع بشری است. مقاومت در تاریخ بشری خصوصاً ایران باستان به سبک جنگ‌های پارتیزانی پایه‌ریزی شده و به نام قوم پارت هنوز پابرجاست. در سبک مقاومت در دفاع پارتیزانی اهداف استقلال‌طلبانه ملت‌ها، مقاومت و ایستادگی در مقابل دشمن خارجی، تعیین سرنوشت کشورها، حفظ استقلال سیاسی، حفاظت از هویت فرهنگی و ملی و برقراری امنیت در مناطق مرزی و تضعیف نظامی و سیاسی یونان از مهم‌ترین اهداف جنگ‌های پارتیزانی بود که در تاریخ جهان تا آن دوره به خود ندیده بود. همچنین راهبرد و تاکتیک‌های مقاومت مردم ایران باستان از قبیل تعقیب و گریز، نبرد با کمانداران و تیراندازان سوار نظام و ماهر ایجاد کمین‌های استراتژیک، شبیه خون شبانه، انعطاف‌پذیری و استفاده از نیروهای نامتقارن، تاکتیک جنگ اطلاعاتی، عملیات روانی، قطع خطوط پشتیبانی، بهره‌گیری از نیروهای محلی، دفاع مردم پایه و ایجاد اتحادهای منطقه‌ای توانست اقدامات مهم و تعیین کننده‌ای را در تاریخ تحولات ایران باستان از خود بر جای گذارد که برای بشر بسیار ارزشمند است به گونه‌ای که به عنوان سبک مقاومت و دفاع نامنظم و نامتقارن تاکنون از آن بهره بسیار برده‌اند. مختصات سبک مقاومت مردم پایه علاوه بر مشروعیت و مقبولیت مردم بسیار کم هزینه و پرفایده است.

برای ملت‌هایی که در رنج و ستم تنگنا و ظلم قرار می‌گیرند سبک دفاع مردم پایه یا جنگ‌های پارتیزانی تنهاترین و یا بهترین راه‌حل مقاومت در مقابل قدرت‌های زورگو، ظالم و ستمکار است که می‌توان با اتخاذ راهبرد جنگ نابرابر، جنگ فرسایشی و تحمیل اراده ایمان خود بر خصم زبون شد و او را خسته و از پای درآورد. این تجربه بشری در بین ملت‌های مختلف به مرحله اجرا درآمد است و آثار نتایج و پیامدهای بی‌نظیری از خود بر جای گذاشته است که در نوع خود منحصر به فرد است.



فهرست منابع

- پیرنیا، حسن (۱۳۷۰)، *تاریخ ایران باستان*، انتشارات دنیای کتاب: تهران، چاپ دوم.
- یارشاطر، احسان (۱۳۹۳)، *تاریخ اشکانیان*، جلد دوم، انتشارات دانشگاه کمبریج.
- مهرین شوشتری، عباس (۱۳۲۹)، *ایران نامه*، جلد سوم، تهران: انتشارات بانک ملی ایران.
- گروسه، رنه (۱۳۲۹)، *تاریخ آسیا*، ترجمه مصطفی فرزانه، تهران: انتشارات علمی.
- کروتیس، ویستا سرخوش (۱۴۰۳)، *مجموعه تاریخ ایران*، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: انتشارات تحریریه نشر مرکز.
- آلبرماله و ژول ایزاک (۱۳۹۷)، *تاریخ روم*، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، تهران: انتشارات سمیر.
- پیرنیا، عباس اقبال (۱۳۸۶)، *تاریخ ایران قبل از اسلام*، تهران: انتشارات نگاه.
- سرمدی، زهرا (۱۳۸۱)، *روش تحقیق در علوم رفتاری*، چاپ چهارم، تهران: انتشارات آگاه.
- کامرون، جورج (۱۳۷۶)، *ایران در سبیده دم تاریخ*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات آگاه.
- کریشمن، رومن (۱۳۸۰)، *ایران از آغاز تا اسلام*، مترجم محمد معین، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۹۸)، *هنر جنگ در ایران باستان*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فرانکوپن، پیتر (۱۴۰۲)، *راه های ابریشم*، ترجمه سیما مولایی، تهران: انتشارات نیماژ.
- محمدپناه، بهنام (۱۴۰۲)، *کتاب اسرار تمدن روم باستان*، تهران: انتشارات سبزان.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۹۹)، *کتاب تاریخ ایران زمین*، تهران: انتشارات اشراقی.

